



گناه و وسوسه

گناه از ذهن ما می آید ما توسط امیال طبیعی خود برای گناه کردن وسوسه می شویم. اما خود وسوسه گناه نیست و بخشی از ذات انسانی است. این امر زمانی واقع می شود که ما برای امیال اشتباه خود مغلوب شویم و به آنها اجازه داده که به افکار شریر تبدیل شوند و باعث رفتاری شوند که منجر به گناه است. "لکن هر کس در تجربه می افتد و وقتی که شهوت وی او را می کشد و فرفته می سازد پس شهوت آبتن شده گناه را می زاید و گناه به انجام رسیده موت را تولید می کند" (یعقوب، باب ۱، آیات ۱۴ و ۱۵). مسیح از گناه سخن گفت و نشان داد که از ذهن ما می آید: "زیرا که از درون دل انسان صادر می شود خیالات بد و زنا و فسق و قتل و دزدی و طمع و خبثت و مکر و شهوت پرستی و چشم بد و غرور و جهالت. تمامی این چیزهای بد از درون صادر می گردد و آدم را ناپاک می گرداند." (مرقس، باب ۷، آیات ۲۱ تا ۲۳). مسیح همچنین نشان می دهد که افکار پلید می تواند همانند اعمال اشتباه باشد: "شنیده اید که به اولین گفته شده است زنا مکن لیکن من به شما می گویم هر کس به زنی نظر شهوت اندازد همان دم در دل خود با او زنا کرده است" (متی، باب ۵، آیات ۲۷ و ۲۸). گناه نتیجه شکست ما در کنترل امیال غلط است. یعقوب اهمیت کنترل امیال را نشان می دهد: "از کجا در میان شما جنگ ها و از کجا نزاع ها پدید می آید آیا نه از لذت های شما که در اعضای شما جنگ می کند؟ طمع می ورزید و ندارید می کوشید و حسد می نمایید و نمی توانید به جنگ آرید و جنگ جدال می کنید و ندارید از این جهت که سوال نمی کنید." (یعقوب، باب ۴، آیات ۱ و ۲). حتی بهترین انسان نیز در کنترل امیال خود شکست می خورد پولس نشان داد که انجام کارهای خوب سخت و اشتباه کردن بسیار آسان است. رومیان، باب ۷، آیات ۱۸ و ۱۹. ذهن ما طبیعاً خود پسند است نه خدا پسند. پس در نتیجه گناه می کنیم چون به جای خواسته های خدا در پی خواسته های خود هستیم.

غلبه بر گناه

مسیح نیز همانند ما ذات انسانی داشت و همانند ما وسوسه می شد او هم امیالی داشت که اگر کنترل نمی شد او را به گناه می کشاند بی گناه ماند چون هرگز تسلیم امیالش نشد. وسوسه هایش در بیابان نشان دادند که او به محض شنیدن آنها متوجه اشتباه بودنشان شد. و ترجیح داد که فوراً آنها را از ذهن خود پاک کند تا قبل از اینکه به آنها فرصت رشد داده تا به افکار و اعمال گناه الود تبدیل شود. مثال او به ما نشان می دهد که منظور کتاب مقدس از غلبه بر گناه چیست - غلبه بر خواسته های درونی خود. آیاتی که در بالا ذکر شد نشان می دهد که گناه از درون ما - از ذهن ما می آید. هیچ قدرت ماورالطبیعی وجود ندارد که ما را به سمت شرارت سوق دهد. گناه کردن اشتباه ماست چون در کنترل خواسته خود شکست خورده ایم. گفتن واژه "اشتباه می کنی" برای هیچ یک از ما خوشایند نیست و سرزنش کردن دیگران آسانتر است. انجام این کار فریفتن خودمان است: "دل از همه چیز فریبنده تر است و بسیار مریض است..." (ارمیا، باب ۱۷، آیه ۹). آموزه های غلط در مورد شیطان و روح پلید از نیاز ما برای سرزنش دیگران می آید وقتی خدا آدم را صدا زد (پیدایش ۳) و از او پرسید که آیا از درخت معرفت خوب و بد خورده است؟ آدم پاسخ داد: "این زنی که قرین من ساختی، وی از میوه درخت به من داد که خوردم". آدم سعی در سرزنش خدا برای دادن زن به او و سرزنش زن برای دادن میوه به او داشت. اما این اشتباه خود او بود. خودش انتخاب غلطی را کرد. حوا مار را سرزنش کرد. آم و حوا نمی خواستند سرزنش سرپیچی از خداوند برای آنان باشد اولین قدم برای غلبه بر گناه قبول این واقعیت است که مشکلات از درون ما می آید.

معنی کلمه ابلیس

جالب است بدانیم که کلمه ابلیس اولین بار در عهد جدید استفاده شد. جایی که در مورد وسوسه مسیح در صحرا به ما گفته می شود. اگر ابلیس یک موجود با قدرت های شریانه است پس در زمان عهد عتیق کجا بود؟ کلمه ابلیس و شیطان هر دو در وسوسه مسیح به کار رفته اند. در درس ۱۷ دیدیم که وسوسه کننده مسیح، نمی توانست یک قدرت شریانه باشد. جهان متعلق به خداست و هیچ کس دیگری نمی توانست پیشنهاد مالکیت آنرا به عیسی بدهد. اگر عیسی می دانست که او ابلیس است هرگز دنبال او به اورشلیم و یا هیچ جای دیگری نمی رفت. کلمه ابلیس یک واژه یونانی دیابولوس است که به معنی غیبت گو و یا تهمت زننده می باشد. این واژه معمولاً در مورد کسانی به کار می روند که در مورد افراد دیگر غیبت گوئی می کنند: "همچنین زنان پیر، در سیرت متقی باشند و نه غیبت گو و نه بنده شراب زیاده" تیطس، (باب ۲، آیه ۳). اول تیموتائوس، باب ۳، آیه ۱۱ دوم تیموتائوس، باب ۳، آیه ۳ را نیز ببینید. این کلمه برای یهودا اسخریوطی که به مسیح خیانت کرد نیز استفاده شده است: "عیسی بدیشان جواب داد آیا من شما دوازده را برنگزیدم و حال آنکه یکی از شما ابلیس است و این را در مورد یهودا پسر شمعون اسخریوطی گفت زیرا او بود که می بایست تسکین کننده وی بشود و یکی از آن دوازده بود." (یوحنا، باب ۶، آیات ۷۰ و ۷۱). اما همین کلمه ابلیس برای گناهان انسان نیز در عهد جدید استفاده شده است. ابلیس در کتاب مقدس برای توصیف گناهان به کار برده شده است. اول یوحنا باب ۳، آیات ۴ تا ۷ و ۸ تا ۱۰ نظرات مشابهی دارد. مقایسه زیر برای فهم بهتر استفاده کلمه ابلیس در کتاب مقدس به ما کمک می کند

اول یوحنا، باب ۳، آیه ۵	اول یوحنا، باب ۳، آیه ۸
و می دانید که او ظاهر شد تا گناهان را بردارد و در وی هیچ گناه نیست	و کسی که گناه می کند از ابلیس است. زیرا که ابلیس از ابتدا گناه کار بوده است و از این جهت پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد

می بینیم که "گناهان را بردارد" و "اعمال ابلیس را باطل سازد" معنای مشابهی دارند. عبرانیان، باب ۲، آیه ۱۴ می گوید که ابلیس "قدرت مرگ را دارد" این گناه است که ما را به مرگ می کشاند: "لذا همچنان که به وساطت یک آدم، گناه داخل جهان گردید و به گناه موت، و به اینگونه موت برای همه مردم طاری گشت. از آنجا که همه گناه کردند." (رومیان، باب ۵، آیه ۱۲).



"مزد گناه موت است" (رومیان، باب ۶، آیه ۲۳) بنابراین ابلیس نمایانگر گناه است. آیات زیر نشان می دهد که کتاب مقدس در مورد ابلیس و گناه چه می گوید همچنین نشان می دهد که گناه و ابلیس برابرند.

با ابلیس مقاومت کنید چون دشمن خداست (یعقوب، باب ۴، آیه ۷)..... پس گناه است. (رومیان، باب ۶، آیه ۱۳)

ابلیس وسوسه کننده انسان است (متی، باب ۴، آیه ۱)..... پس همان امیال گناه آلود هستند. (یعقوب، باب ۱، آیات ۱۳ تا ۱۵)

ابلیس فریبنده است (مکاشفه، باب ۱۲، آیه ۹)..... پس گناه است (رومیان، باب ۷، آیه ۱۱)

ابلیس موجب مرگ می شود (عبرانیان، باب ۲، آیه ۱۴)..... و همانطور گناه (رومیان، باب ۵، آیه ۱۲)

ابلیس توسط مرگ مسیح نابود شد. (عبرانیان، باب ۲، آیه ۱۴)..... و همینطور گناه (رومیان، باب ۶، آیه ۶)

کلمه ابلیس در عهد جدید نمایانگر گناه است

نگاهی دقیق تر به عبرانیان، باب ۲، آیه ۱۴

اول یوحنا، باب ۳ به ما گفت که مسیح آمد تا "اعمال ابلیس" را نابود کند. عبرانیان، باب ۲، آیه ۱۴ به ما می گوید که مسیح آمد که ابلیس را نابود کند و همینطور گناهانش را.

معنا	عبرانیا، باب ۲، آیه ۱۴
ایمانداران در ذات انسانی شریکند و مسیح نیز ذات انسانی داشت تا به وساطت مرگ خود گناه را نابود کند.	پس چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند، او نیز همچنان در این هردو شریک شد تا به وساطت موت صاحب قدرت موت یعنی ابلیس را تباہ سازد.

این آیه به ما می گوید که عیسی مسیح به عنوان یک انسان متولد شد تا ابلیس را با مرگش نابود کند این بدین معناست که مسیح بر امیال طبیعی خود غلبه کرده و بر گناه پیروز شد. این آیه مساله ای را برای کسانی که می پندارند ابلیس یک قدرت شریر است ایجاد می کند.

- می گوید که مسیح ابلیس را نابود کرده است پس چطور مردم به اشتباه هنوز می پندارند که ابلیس به عنوان یک روح شریر ماورا الطبیعی وجود دارد.
- اگر ابلیس یک موجود شرور است پس چرا این آیه تاکید می کند که مسیح می بایست ذات انسانی می داشت تا ابلیس را نابود کند؟
- اگر او یک موجود ماورا الطبیعی بود چطور مسیح توسط مرگش توانست آن را نابود کند؟ مطمئناً برای مسیح بهتر بود که یک موجود جاودان همانند فرشته ها باشد. انسان فانی سخت می تواند در این نبرد پیروز شود.

ابلیسی که مسیح نابود کرد میل به گناه در خودش بود

همانطور که در همه انسان ها وجود دارد مسیح ذات انسانی ما را با تمام تمایلاتش از مادرش به ارث برد. ضروری بود که او همانند ما باشد تا بتواند وسوسه گناه را تجربه کرده و بر آنها پیروز شود. به همین دلیل این آیات در شباهت ذات مسیح به ما تاکید می کند. آخرین وسوسه ای که مسیح باید از آن می گذشت وسوسه مقابله با مرگ به روی صلیب بود با غلبه بر این وسوسه او گناه را کاملاً از بین برد. به همین دلیل این آیه به ما می گوید که مسیح با مرگش ابلیس را از بین برد و همینطور دلیل اول یوحنا باب ۳، آیه ۸ را نیز. این آیه می گوید که او ظاهر شد "تا اعمال ابلیس را نابود کند". مسیح گناه را کاملاً برای خودش از بین برد. چون با مرگش ذات قابل وسوسه را از بین برد اکنون او دیگر وسوسه نمی شود. "...یک مرتبه در اواخر عالم ظاهر شد تا به قربانی خود گناه را محو سازد" (عبرانیان، باب ۹، آیه ۲۶).

مسیح ابلیس را با مرگش از بین برد
مسیح بر گناه غلبه کرد

مسیح زندگی کاملی داشت. او "آزموده شده در هر چیز به مثال ما بدون گناه" (عبرانیان، باب ۴، آیه ۱۵). مسیح با غلبه بر گناه برای خودش این امر را برای ما نیز امکان پذیر ساخت تا گناهانمان بخشیده شود.

چرا کتاب مقدس کلمه ابلیس را استفاده می کند؟

کلمه ابلیس در کتاب مقدس برای نشان دادن گناه به کار رفته است. این مثال تجسم شخصیت است - صحبت در مورد یک تفکر به گونه ای که یک انسان است. اما چرا کتاب مقدس بجای گفتن گناه از کلمه ابلیس نیز استفاده کرده است و چرا به گونه ای ابلیس را توصیف می کند که انگار در مورد شخصی با قدرت مهیب صحبت می کند. به این خاطر است که ما



متوجه قدرت و فریبندگی گناه بشویم و همینطور درک کنیم که تا چه اندازه هر روزه با گناه جنگ داریم. در وسوسه مسیح از زبان تصویری برای توصیف نبرد بین ابلیس و مسیح که در ذهن ما اتفاق افتاد استفاده شد. این نبرد علیه خواسته هایش به تمام قدرت او نیاز داشت. به همین خاطر است که وسوسه گناه همانند قدرتی بزرگ ابلیس تشبیه شده است. این امر به ما نشان می دهد که تا چه اندازه بیاید با گناه مبارزه کنیم و به ما کمک می کند که قدر کاری را که عیسی مسیح برای ما انجام داد تا بر گناه پیروز شود را بدانیم.

یک خالق قدرتمند

خدا خالق قدرتمند همه چیز است. هیچ قدرت ماوراالطبیعی دیگری که مخالف با او باشد در کار نیست. خدا هرگز همچنین موجودی را خلق نمی کند. اگرچه در طول ایام مردم می پنداشتند که قدرت بزرگی است که با خدا مخالفت می کند. پارسیان قدیم بر دو قدرت بزرگ اعتقاد داشتند. یکی خالق نور و خوبی و دیگری خالق تاریکی و بدی. در جواب به این اعتقاد غلط خدا این پیام را فرستاد "من بیهوه هستم و دیگری نیست و غیر از من خدایی نی. من کمر تو را بستم هنگامی که مرا شناختی تو از مشرق آفتاب و مغرب آن بداند که سوای من احدی نیست. من بیهوه هستم و دیگری نی. پدید آموزنده نور و آفریننده ظلمت، صانع سلامتی و آفریننده بدی من بیهوه صانع همه این چیزها هستم" (اشعیا، باب ۴۵، آیات ۵ تا ۷)

خالق بزرگ تنها قدرت جهان است و همه چیز را کنترل می کند تنها مخالفت با خدا از گناه است که از ذهن مردان و زنان می آید. هیچ قدرت شریری که بعضی آن را ابلیس و بعضی آن را شیطان می خوانند وجود ندارد. تفکر موجود شرور، ابلیس و یا شیطان که قرن ها وجود داشته با آموزه های کتاب مقدس که تنها جاودانه را خدا می داند مغایرت دارد خدا هرگز به موجودی که هدفش را به چالش بکشد جاودانگی نمی دهد (اول تیموتائوس، باب ۶، آیه ۱۶). برخی به اشتباه بر این باورند که فرشته ای گناه کرد و تبدیل به ابلیس و یا شیطان شد. اما فرشتگان نه گناه می کنند و نه می میرند (درس ۲۸) و به ما گفته شد که با مرگ مسیح ابلیس از بین رفت.

نماد های گناه

مار یک حیوان بود (پیدایش، باب ۳، آیات ۱ تا ۱۴) خدا به او اجازه حرف زدن داد، همانطور که به خر بلعام اجازه حرف زدن داد. (اعداد، باب ۲۲، آیه ۲۸) خدا از مار استفاده کرد تا آدم و حوا را بیازماید و آنها شکست خوردند. مار آنها را مجبور به خوردن میوه نکرد. تنها آزمایش را فراهم کرد و آدم حوا خود تصمیم گرفتند. بعد از آن مار نمادی از گناه شد همانند ابلیس که نمادی از گناه است. در درس قبل دیدیم که شیطان به معنای دشمن و یا مخالفت کننده است. اما می شود به عنوان یک نماد نیز از آن استفاده کرد. برای هر چیزی که همانند گناه مخالفت خداست. به همین خاطر است که شیطان و یا ابلیس در وسوسه مسیح استفاده شده است چون خواسته های مسیح با خواسته های خدا مغایرت داشتند. مکاشفه کتابی است پر از نماد های مختلف و مار و شیطان و ابلیس در مکاشفه همه کنار هم قرار گرفته اند در باب ۱۲ آیه ۹ آخرین ناپودی گناه از روی زمین را با زبان تصویری می بینیم.

ما خود نمی توانیم به خود کمک کنیم، پس چه باید کرد؟

فهم این امر که گناه در نزد خدا پذیرفته نمی شود بسیار مهم است گناه از ذهن ما می آید. پس مشکل از درون ماست. ما خود مسئول گناهانمان هستیم و نمی توانیم کس دیگری را سرزنش کنیم تنها زمانی که این امر را پذیرفتیم درمیابیم که به بخشش و فیض و رحمت خدا نیازمندیم. پس برای روی آوردن به خدا آماده می شویم و توبه می کنیم. (برای گناهانمان عمیقاً متأسف شده و بخشش می طلبیم) و با تعمیم زندگی جدیدی را آغاز می کنیم. تنها از طریق توبه و تعمیم است که گناهانمان کاملاً بخشیده می شود. در مورد این امر در درس بعد بیشتر توضیح داده می شود.

خلاصه:

- ۱- گناه از ذهن ما می آید. ما توسط امیال طبیعی خودمان وسوسه می شویم.
- ۲- واژه ابلیس به معنای غیبت گو و تهمت زننده است. در کتاب مقدس به عنوان نمادی برای گناه به کار برده شده است. هیچ قدرت ماوراالطبیعی شروری وجود ندارد.
- ۳- مسیح در خود بر گناه پیروز شد و با مرگش ابلیس را نابود کرد.
- ۴- تنها در صورتی گناهان ما بخشیده می شود که توبه کرده و تعمیم بگیریم.

آیاتی برای مطالعه:

- ۱- یعقوب، باب ۱، آیات ۱۴ و ۱۵

باب هایی برای مطالعه:

- ۱- مزامیر، باب ۱۴، آیات ۲ و ۳
- ۲- یعقوب، باب ۱، آیات ۱۲ تا ۲۷
- ۳- رومیان، باب ۶
- ۴- رومیان باب ۷، آیات ۱۴ تا ۲۵

